

پیام کارگران
شهادت ارومیه به
دولت تدبیر و امید:

جای حقوق
چماق نشان
دادند!

تهیه عکس و گزارش:

کارگر فلزکار

1393/06/19

استاندارد های
ایزو 26000 خود
رویکرد های
انسانی
کارخانجات و شرکت
ها را مورد باز
نگری قرار می
دهد تا بین
دوم حصول رقیب با
قیمت های مشابه
محصولاتی بهتر

بفروش
برسند
و با
اقبال
روبرو
گردند
که
شرکت
مادر شا
ن امور
خیریه

و رفاهی برای
پرسنل و مردم
عادی جوامع را
هم در پروسه
مدیریتی خود - هم

راستای ثروت
اندوزی شان- مد
نظر قرار دهند.
دراین میان
کارخانه شهادت
ارومیه با ظرفیت
تولید اسمی
روزانه 20 تن
(سالانه بیش از
7000 تن) تولید
انواع کدسانتره
و آب میوه با
ظرفیت عملی 5000
تن صادرات سالانه
یکی از ارز
آورترین شرکت
های این شاخه از
صنایع تبدیلی
در منطقه و در
بین رقبای به
شمار می رود.

کیفیت بالای
محصول در حد
صادرات و کمیت
تولید نشان از
وفاداری و از
جان گذشتگی

پر سنی دارد که
شعبانه روز در
محیطی با خطر
سقوط از ارتفاع،
تنش صوتی و
دمایی بالا و
شرایط دشوار دست
وپنجه نرم می
کنند و خم به
ابرو نمی آورند
تا نشان
آبرومندانگی ای
برای خانواده
فراهم کنند اما
اینک با گذشت
هفت سال از
آخرین پرداخت
کارخانه کارد به
استخوان نشان
رسیده...

کارگری با استرس
فراوان خود را
به گزارشگر فلز
کار رسانده که
با این نماینده
کارگران شهادت



اتحادیه اروپا
اینک برای وادار
ساختن سرمایه
داران به پرداخت
مالیات های غیر
مستقیم در

ارومیه گفت گویی داشتیم:

فلزکار:

هفت ماه بدون حقوق؟! چگونه؟

کارگر شهداب:

مسئولین کارخانه اوایل با وعده تو خالی زمان خریدند، می گفتند فعلا نگذارید کار بخوابد ما برایتان جبران میکنیم ماهم فریب خوردیم اگر پرداختی هم بود برای خبچینها ونورچشمی هابود! کم کم دیدیم خبری از پرداخت نیست و سرو کله چماقدارها پیدا شد، البته بی کاری حاکم برجامعه و ترس از پیدا نشدن کار، نا آگاهی های کارگران از حقوق قانونیشان، تورم بالای اقتصادی ونبود اتحاد بین کارگران، وقتگیری بروکراسی اداری در دستگاههای دولتی همانند اداره کار و دادگستری، ترس از نفوذ کارفرما در بین روحانیت، رده های بالای دولت، نیروهای انتظامی و قضایی برای سرکوبی هر اعتراضی ما را فلج کرده است.

به جای پرداخت حقوق 7 ماهه چماق دار نشانمان می دهند!

در خانوارهای
پنج نفری هر
15 روز یک مرغ
خورده می
شود!

در این مدت نه کفشی برای خودمان که مردان خانه هستیم خریده ایم، نه لباسی... عروسی همسایگان هم مال زن وبچه مان است البته اگر بتوانیم برایشان تهیه کنیم... چون لباس آبرومندی نداریم خودمان نمی رویم!
فلزکار:

خورد و خوراکتان؟
کارگر شهداب:

ما زیر خط فقریم ... فقط به کمک یارانه اندکی گذران می کنیم... کم می خوریم و گرد می خوابیم... در خانوار های 5-6 نفری هر 15 روز یک مرغ خورده می شود...

(قابل توجه دست اندرکاران برنامه جشن رمضان!)

کارگرفلز کار:

درباره سابقه کارخانه برایمان بگویید؟
کارگر شهداب:

این کارخانه تا سال 1386 با 160 نفر پرسنل زیر نظر بانک کشاورزی بانک صادرات به شیوه دولتی اداره می شد وبه نسبت بسیار از کارخانه های مشابه کارکرد بهتری در نحوه پرداخت حقوق و مزایای کارگران داشت.

از زمانی که سهام بانک صادرات به بخش خصوصی واگذار شد کارگران به درد سر افتادند دست مزد ها کم شد عده ای را باز نشست و باز خرید کردند، تعدیل نیرو شدیم تا به 50 نفر کنونی رسیدیم، که بیشترشان را خود مدیران جدید قراردادی به کار گرفته اند، تا آن زمان یعنی سال 86 عیدانه، پاداش، ایاب وذهاب، اضافه کاری همه به موقع و درست پرداخت می شد اما بعد از آن...

از شما می پرسم یک کارگر در سن بالای 50 سال که عمر وجوانیش را در این کار خانه گذرانده حالا باید کجا دنبال کار بگردد؟
فلزکار:

بازرسی کل کشور و اداره رسیدگی به تخلفات اداری به شما کمکی نمی کردند؟
کارگر شهداب:

هم اینک اداره کار و خانه کارگر به خوبی در جریان مشکلات ما هستند، در خانه کارگر جمع شدیم قطع نامه نوشتیم و امضا کردیم که حقوقمان را میخواهیم...

دعوتمان کردند 16 شهریور با آقای قاضی پور نماینده ارومیه نشست داشتیم که ایشان را در جریان امر قراردادیم و ایشان وعده داده اند حق ما را بگیرند.

در گذشته اما تعدادی از کارگران به دلیل مراجعه به دادسرا وشکایت از کار فرما چندین ماه از کار معلق شدند و با رای دادسرا و اداره کار، کارفرما ناگزیر شد ایشان را به کار

بازفراخوانی کند بسیاری از ما در این مدت متحمل صدمه مالی شدید گشته ایم برخی پول نزول کرده اند با بهره های کلان برای یک میلیون تومان هفتصد هزار تومان باید بهره بدهیم برخی هم که ملک و املاک خود یا ارث پدری شان را فروخته اند، اجاره نشینها که بیچاره شدند، برخی از فرزندان یا برادر و خواهر یا همسرشان که سر کار می روند قرض می گیرند برخی هم با مسافر کشی و شغل دوم و سوم خرجشان را در می آورند...

فلز کار:

اسامی روسای کنونی کارخانه؟

کارگر شهداب:

مدیر عامل مهندس محمد افشار، در رده بالاتر رییس هیات مدیره حاج یوسف افشار، مدیر بازرگانی احمد افشار و قائم مقام مهدی افشار هستند.

فلز کار:

ساعت کاری؟

کارگر شهداب:

از 7/5 صبح تا 3/5 با اضافه کاری تا 19/5 کار می کنیم. شیفت شب هم از ساعت 19/5 تا 7/5 صبح برقرار است.

فلز کار:

وضعیت بیمه ها یتان؟

کارگر شهداب:

حق بیمه ها را با تاخیر و خواهش و تمنا و اگر و شاید به حساب میریزند...د...



فلز کار:

میزان شناخت شما از اتحادیه های کارگری؟

کارگر شهداب:

هیچ ...

آن قدر در کلاف زندگی خودمان

پیچیده شدیم که از دنیای خبریم...

فلز کار:

اگر شما هم اینک کارفرمای شهداب شوید چه می کنید؟

کل مطالبات کارگران کارخانه از 7 ماه پیش تا کنون 500 میلیون تومان بیشتر نیست، در حالی که کارکرد ارزی کارخانه در سال چندین برابر این رقم را شامل می گردد.

صادرات انواع کنسانتره به کشورهایی همانند کانادا، امریکا و ژاپن اگر صرفه نداشته باشد که نمی شود!

بدیهی است که ابتدا حساب کارگران را تسویه می کردیم.

فلز کار:

چه راه کاری برای رسیدن به حقوق خودتان از طریق رسانه ها پیشنهاد می کنید؟

کارگر شهداب:

از تمام اتحادیه ها و سندیکا های کارگری خواهش می کنیم به یاری ما برخیزند، از کشور های هدف و خریداران داخلی و خارجی محصولات شرکت می خواهیم تا هنگامی که حقوق کارگران این کارخانه پرداخت نشود محصولات

کارخانه را تحریم کنند و نخرند مگر آنکه با اثبات و تایید پرداخت حقوق کارگران از سوی مجامع کارگری همراه و رسانه های ایشان اعلام کنیم که ما به حقمان رسیده ایم.

فلز کار:

یاد آوری می کنم شهدایی ها یکبار هم درگذشته به خانه کارگر مراجعه کرده اند مسئول خانه کارگر اخبار شان را به ایلنا منعکس می کند اما

خریداران داخلی
و خارجی محصولات
کارخانه را
تحریم کنند

پس از آن کار فرما دسیسه کثیفی برای پیشگامان این حرکت طراحی می کند برگه ای را با مضمون "شکایت علیه نشر اکاذیب نمایندگان دروغین کارگران شهداب" تنظیم می کند و بجای رسید دریافت حقوق آنها جلوی کارگران بی سواد و از همه جا بی خبر میگذارند تا با اثر انگشت و امضا به خیال خودشان رسید حقوق بدهند در حالی که شکایت نامه ضد نمایندگان خودشان را انگشت زده اند

این امر سبب درد سر برای « اسلام صادقی » مسئول خانه کارگر ارومیه میگردد که بانی نقل خبر برای ایلنا بوده است.

در نشریه داخلی خانه کارگر هم این موضوع انعکاس بزرگی داشته است و تکذیبیه کارگران و شکایت ایشان از نمایندگانشان موضوع شکایت کارفرما رابه عنوان عوامفریبی از سوی خانه کارگر و با نتیجه عکس مفروض نموده اند.

بنابراین کارفرما از مسئولین خانه کارگر و ایلنا شکایت می کند تا برای خودش آبرو بخرد و امروز کارگران می ترسند از این همه حيله گری و نیرنگ بازی کارفرما و حق دارند چون نان و جانشان باهم تهدید می شود.